

نگاه

هشدار به کاربران تلگرام



سرگرد مجتبی رفیعی
کارشناس ارشد فضای مجازی

● اگر بپذیریم زندگی بشر هر روز بیشتر از دیروز به سوی ماشینی شدن پیش می‌رود، ناگزیریم بپذیریم اینترنت در همه ابعاد زندگی انسان رسوخ کرده و هر روز بیشتر از دیروز بر نفوذ خود می‌افزاید. از حذف صف طولانی پشت باجه‌های شعب بانک گرفته تا خرید بلیت‌های کافه‌ای و پست دفترچه شرکت در دانشگاه، همه‌وهمه شاهد تغییر در شیوه زندگی ماست. به‌طوری‌که دیگر اکنون خریدهای اینترنتی شیوه روزمره ما شده و بدون اینکه از محل سکونت خود خارج شویم، کالای مورد نیاز خود را خریداری کرده و هزینه آن را به طور اینترنتی پرداخت می‌کنیم. این روند حاکی از نفوذ اینترنت در زندگی انسان امروزی است البته هرچند همه اقشار جوامع بشری در سطوح گوناگون از منافع و راحتی‌های زندگی اینترنتی بهره‌مند هستند، اما کمتر کسی است که دچار آسیب‌های ناشی از این پدیده پیچیده و ناشناخته و همه‌گیر و فراگیر نشده باشد. به‌تازگی یک حفره امنیتی با عنوان جعل در خواست در صفحه مدیریت صورت کنترل از راه دور با گوشی‌های موبایل ارتباط برقرار می‌کند. در تلگرام سرویسی وجود دارد که با استفاده از آن می‌توان حساب کاربری را غیرفعال کرد و حفره کشف‌شده با جعل درخواست برای کاربران از طریق لینک ارسالی تلگرام در محیط چت یا سایر صفحه‌های وب، ارسال شده که پس از استفاده از آن، همه اطلاعات و حساب کاربری فرد از بین خواهد رفت. توصیه می‌شود کاربران تلگرام تا حل این مشکل از لینک‌های My.telegram.org استفاده نکنند و لینک‌های ارسالی از سوی تلگرام و کاربران آن را نادیده بگیرند و در گزینه Privacy and Security قسمت Two-Step Verification برای جلوگیری از مشکلات امنیتی فعال کنند. برخی از کاربران بازی‌های رایانه‌ای در فضای مجازی با ایجاد اکانت و رساندن بازی به مرحله‌ای که برای سایر کاربران جذابیت لازم را دارد، اقدام به فروش اکانت خود به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. بسیاری از این فروشندگان مجرمان سایبری بوده و اکانت خود را رایگان عرضه می‌کنند که اغلب حاوی جاسوس‌افزار و ویروس برای سرقت اطلاعات است. توصیه می‌شود خانواده‌ها ضمن نظارت بر خرید بازی‌های رایانه‌ای فرزندان در فضای مجازی، برای خرید این‌گونه بازی‌ها و امکانات آن فقط از سایت‌هایی که دارای نماد اعتماد هستند، استفاده کنند.نوع دیگری از سرقت در فضای مجازی از سوی برخی از مجرمان جرائم اینترنتی دیده شده که از حس انسان‌دوستی و خیرخواهانه شهروندان سوءاستفاده می‌کنند و با انتشار تصاویر دلخراشی از بی‌خانمانی افراد، کودکان بیمار، انجام شغل‌های کاذب، احساسات انسان دوستانه کاربران را تحریک و سپس برنامه‌های خود را عملی می‌کنند و با سوءاستفاده از این فرصت در فضای مجازی اقدام به بارگذاری سایت‌های جعلی برای جمع‌آوری کمک تحت عنوان این افراد می‌کنند. توصیه می‌شود کاربران حتما برای کمک به نیازمندان یا پرداخت کمک، به مؤسسات شناخته‌شده و دارای مجوز مراجعه کنند.زیرا احتمال فیشینگ (سرقت شماره کارت و رمز حساب) درگاه‌های بارگذاری‌شده موجود است.

حادثه‌ها

اسیدپاشی روی متهم و مأمور کلانتری

● رئیس بیمارستان سوختگی شهید مطهری با اشاره به اسیدپاشی روی متهم و مأمور کلانتری در تهران، گفت: متهم-ده‌دچار ۱۵ درصد سوختگی از ناحیه سر شده است. ده‌مرده‌ای، رئیس بیمارستان سوختگی شهید مطهری، گفت: روز پنجشنبه متهمی اسید در دست داشت و مأمور کلانتری را تهدید به خودسوزی می‌کرد که به دلیل جلوگیری مأمور از خودسوزی متهم، هر دو دچار سوختگی با اسید شدند. وی افزود: وضعیت کنونی هر دو حادثه‌دیده خوب است ولی منتظر انجام عمل روی آنها هستیم. البته از نظر حیاتی مأمور و متهم مشکلی ندارند. رئیس بیمارستان سوختگی شهید مطهری گفت: مأمور کلانتری دچار پنج درصد سوختگی از ناحیه سر و متهم نیز دچار ۱۵ درصد سوختگی شده است.

مهار شعله‌های آتش در خوابگاه دانشجویی

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران از حریق خوابگاه دانشجویی دخترانه در خیابان انقلاب و نجات ۲۴ دانشجو دختر خبر داد. سیدجلال ملکی توضیح داد: ساعت ۴:۰۶ دیروز آتش‌سوزی در ساختمانی سه طبقه واقع در خیابان انقلاب بعد از میدان فردوسی به ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی اعلام شد. وی با بیان اینکه آتش‌سوزی در زیرزمین ساختمان خوابگاه دانشجویی دخترانه بود، گفت: اتصالی در سیم‌کشی‌های زیرزمین باعث ایجاد حریق شده و دود زیادی همه ساختمان را فرا گرفته بود.



۱۶ کشته بر اثر واژگونی اتوبوس در جاده چالوس

شرق: برخورد اتوبوس با تیر چراغ‌برق در جاده چالوس حائزهای مرگبار را رقم زد و ۱۶ مسافر این خودرو جان خود را از دست دادند. این حادثه ساعت ۲:۵۰ بامداد دیروز رخ داد و سایر مسافران اتوبوس مجروح و به مراکز درمانی منتقل شدند. سرهنگ نادر رحمانی، رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا، درباره این حادثه گفت: اتوبوس که در محور چالوس به کرج در حال حرکت بود در محدوده سه‌راهی دیزین از جاده خارج شد و پس از واژگونی و برخورد با تیر برق از

حرکت ایستاد. وی با بیان اینکه این اتوبوس ۲۸ سرنشین داشت و از عباس‌آباد به سمت تهران در حال حرکت بود، گفت: ۱۵ نفر از سرنشینان این اتوبوس جان خود را از دست دادند و ۱۲ نفر دیگر نیز مصدوم شدند که عوامل امدادی آنان را به مراکز درمانی انتقال دادند. رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا با بیان اینکه سرنشینان این اتوبوس متعلق به سازمان با نهاد خاصی نبوده و شهروند بودند، درباره علت این حادثه گفت: پس از بررسی کارشناسان پلیس راه، نداشتن توانایی در

حوادث



کنترل وسیله نقلیه و تخطی از سرعت مطمئنه در پیچ راه از سوی راننده اتوبوس، به‌عنوان دلیل اولیه این حادثه تشخیص داده شده است. احسان نصیری، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان البرز، نیز اظهار کرد: این حادثه در محدوده تونل کندوان رخ داد و ۱۳ نفر مصدوم شدند که به صورت سریایی مداوا شدند. او خاطرنشان کرد: در این حادثه شش دستگاه آمبولانس و دو دستگاه ست نجات، یک نیروی انتظامی خبر داد و گفت: راننده این اتوبوس نیز در این حادثه جان خود را از دست داد.

فرزند دارم و این کار عملا امکان‌پذیر نیست. ناصر چندین بار بیان کرده بود باید مانع ازدواجمان را از میان بردارد و حتی یک‌بار نیز پیشنهاد داد پژمان را با سم به قتل برسانیم که با او مخالفت کردم و به هیچ عنوان اطلاع ندارم آیا او همسرم را کشته است یا نه؟». با توجه به اعتراف الهام به داشتن رابطه عاطفی با ناصر، این مرد نیز به داشتن رابطه اعتراف کرد اما در ادامه تحقیقات با تکرار صحبت‌های اولش مدعی شد هیچ ارتباطی با مرگ پژمان ندارد.

سرانجام ناصر که همه دلایل و مدارک علمی و پلیسی به دست‌آمده در طول رسیدگی به پرونده مرگ پژمان نشان از مشارکت مستقیم در ارتکاب جنایت داشت، لب به اعتراف گشود و گفت پژمان از سوی وی به قتل رسیده است و الهام هیچ‌گونه ارتباطی به این ماجرا ندارد.

ناصر در اعترافاش به کارآگاهان گفت: «یک روز قبل از جنایت در تماس تلفنی با الهام متوجه درگیری شدید الهام و همسرش شدم. بسیار عصبانی شدم و تصمیم گرفتم به هر شکل ممکن تصمیم گذشته خودم برای کشتن پژمان را، حتی به‌تنهایی هم که شده انجام دهم. ساعت ۲۳ روز حادثه با اطلاع از این موضوع که الهام خانه‌اش را ترک کرده و به منزل پدرش رفته، به بهانه تحویل‌دادن پژو ۲۰۷ به خانه مقول رفتم. مقول قصد داشت مرا به خانه‌مان برساند، اما با طرح این موضوع که با یکی از دوستانم در شهرک حکیمیه قرار ملاقات دارم، از وی خواستم تا مرا به حکیمیه برساند. زمانی‌که به بهانه پیاده‌شدن از پژمان خواستم ماشین را نگه دارد، به محض توقف با چاقو به وی حمله‌ور شدم و چندین ضربه زدم و او را به قتل رساندم. جسد مقتول را به صندلی شاگرد راننده منتقل کردم و بی‌هدف به راه افتادم؛ مسیر اتوبان امام‌علی [شمال به جنوب] را ادامه دادم تا اینکه ناگهان خودم را ابتدای جاده ورامین دیدم. ابتدا قصد آتش‌زدن ماشین را نداشتم اما پس از چندمرتی که از ماشین دور شدم، تصمیم به آتش‌زدن آن گرفتم. با بنزین داخل صندوق عقب، صندلی راننده و شاگرد راننده را به آتش کشیدم و به‌سرعت از محل دور شدم». سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با وجود اعتراف اولیه متهم اصلی پرونده به ارتکاب جنایت و طرح ادعای او مبنی بر دخالت‌نداشتن همسر متوفی در مرگ همسرش، اما به‌واسطه محرزشدن کذب‌بودن اظهارات اولیه هر دو متهم و برای تکمیل تحقیقات پرونده، متهم اصلی پرونده با قرار بازداشت موقت و همسر متوفی با قرار قانونی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داده گرفتند».



خودرو فعالیت داشتند و پژو ۲۰۷ را به‌تازگی خریده بودند. کارآگاهان به تحقیق از «ناصر» پرداختند. او در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «به دلیل نداشتن پارکینگ، پژو ۲۰۷ تازه خریداری‌شده را به پارکینگ خانه پژمان بردم تا پس از پایان تعطیلات آخر هفته، اقدام به فروش آن کنم. پس از گذاشتن ماشین در پارکینگ، پژمان اصرار کرد مرا تا منزل برساند و زمانی‌که من اصرار او را برای این کار دیدم، قبول کردم مرا به سراه تهرانپارس برساند تا از آنجا خودم به خانه بروم و پس از آن دیگر اطلاعی از وی نداشتم تا اینکه در تماس با همسر مقتول متوجه موضوع شدم». در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند مقتول و همسرش به نام «الهام» (۳۴ساله) چند سال بود که با یکدیگر اختلاف داشتند و این اختلاف به‌تازگی شدت پیدا کرده بود. همچنین در بررسی اظهارات همسر مقتول مبنی بر حضور در خانه پدرش، کارآگاهان در تحقیقات خود اطلاع پیدا کردند پدرومادر الهام آن روز خارج از تهران بوده‌اند. مأموران در ادامه تحقیقات با بررسی اظهارات متوجه شدند پس از خارج‌شدن مقتول همراه ناصر از پارکینگ خانه مقتول، برخلاف ادعای ناصر که گفته بود مقول وی را به سه راه تهرانپارس رسانده است، آنها به سمت منطقه حکیمیه رفته بودند.

با توجه به اطلاعات جدید به دست‌آمده و محرزشدن کذب‌بودن اظهارات الهام و ناصر درباره شب جنایت، هر دو نفر آنها ضمن هماهنگی با مقام قضائی دستگیر و به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند. الهام در تحقیقات پلیسی، به داشتن رابطه عاطفی با پسرخاله‌اش اعتراف کرد اما منکر هرگونه مشارکت یا دخالت در جنایت و مرگ پژمان شد. او به کارآگاهان گفت: «چندین بار ناصر از من درخواست ازدواج کرده بود، اما من هر بار به او می‌گفتم همسر و دو

گفت‌وگو با مردی که دست به قتل زد؛

اصلا نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد

به‌همین‌دلیل خانواده دوستم روی موضوع حساس شده بودند و او چند شب بود که به خانه نرفته بود. از طرفی دوستم مواد مخدر مصرف می‌کرد و من نگران بودم که خانه‌رفتنش باعث آغاز کارتن‌خوابی او شود. برای همین تصمیم گرفتم به او کمک کنم. برای همین به محل کار مقول رفتم و در آنجا با او صحبت کردم. او با من بد حرف زد و گفت موضوع به تو ربطی ندارد. من باز اصرار کردم و او شروع به فحاشی کرد و وقتی من اعتراض کردم او چاقویی را برداشت تا به من حمله کند، آن‌موقع بود که با هم درگیر شدیم و من چاقو را از او گرفتم و به سمت من حمله کرد و ناگهان چاقو در شکم‌ش فرو رفت. ما هم که ترسیده بودیم، فرار کردیم. اصلا فکر نمی‌کردیم موضوع جدی باشد وگرنه او را به دکت می‌رساندیم یا زنگ می‌زدیم آمبولانس میباید.

ﻻ مگر دوست خودش نمی‌توانست از خودش دفاع کند؟ چرا موضوع را از راه‌های قانونی پیگیری نکرد؟

دوست من ۱۷ساله است و مقتول مردی ۳۷ساله بود، اتفاقا قبل از اینکه من با دوستم به محل کار مقول برویم به او پیشنهاد دادم به کلانتری برود و شکایت کند، اما او می‌ترسید چون اعتیاد دارد، برای خودش هم دردرس نشود. برای همین من با او رفتم که کار به اینجا رسید.

ﻻ تو ۳۴ سال داری، دوستت ۱۷ سال و مقتول

رخداد

درخواست دیه از کارتن خواب قاتل

● **شرق:** مرد کارتن‌خواب که دوستش را به خاطر پول مواد به قتل رسانده بود هرچند به دلیل نبود وکیل محاکمه نشد، اما با درخواست دیه از سوی اولیای‌دم روبه‌رو شد. به گزارش خبرنگار ما، متهم که ۴۴ساله است و اعتیاد دارد، دو سال قبل بر سر پول مواد با دوستش درگیر شد و با واردآوردن ضربه چوب به سرش، او را به قتل رساند. مطابق جزئیات پرونده، اهالی منطقه قلعه‌مرغی تهران دو سال قبل به مأموران پلیس خبر دادند درگیری بین دو دوست منجر به زخمی‌شدن یکی از آنها شده است و زمانی که مرد زخمی به بیمارستان برده شده در آنجا جانش را از دست داده است. شاهدان به پلیس گفتند: رسول و احمد با هم درگیر شدند. رسول با چوب ضربه‌ای به سر احمد زد و بعد هم از محل فرار کرد. من نمی‌دانم محل زندگی او کجاست اما می‌دانم هر دو اعتیاد داشتند و کارتن‌خواب بودند.

سه ماه بعد مأموران پلیس در تحقیقاتی که انجام دادند رسول را شناسایی و بازداشت کردند. او به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: من همسر و فرزند دارم و زندگی خوبی داشتم. به خاطر اعتیاد آنها من را از خانه طرد کردند و کارتن‌خواب شدم. ا احمد دوست صمیمی بودم و با هم مواد مصرف می‌کردیم. یک روز که او پول مواد را نداشتم من به جایش پول دادم و به من گفت خیلی زود پولم را پس می‌دهد اما این کار را نکرد. چندباری از او خواستم پول را بدهد اما قبول نکرد تا اینکه روز حادثه به‌شدت خمار بودم به او گفتم حالم خوب نیست و پول هم ندارم حالا که

تو پول داری با برابم مواد بخر یا اینکه پولش را بده خودم این کار را بکنم. متهم گفت: احمد به حرفم توجهی نکرد و گفت پولی در کار نیست و خماری تو به خودت مربوط است. من هم نتوانستم خماری را تحمل کنم به سر احمد زدم احمد هم روی زمین افتاد و اصلا متوجه نشدیم که فوت کرده است. بعد او واردکردن ضربه رفتم و چند ماه بعد برگشتم به امید اینکه او را می‌بینم و آشتی می‌کنیم اما متوجه شدم فوت کرده است. با توجه به اعتراف متهم، کیفرخواست علیه او صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته قرار بود جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شود اما به دلیل نبود وکیل جلسه رسیدگی به بعد موکول شد. بااین‌حال، اولیای‌دم گفتند فرزندشان اعتیاد داشت و آنها را ترک کرده بود و اگر رسول بتواند دیه بپردازد، از قصاص گذشت می‌کنند.

قتل پسرعمه در ساختمان نیمه‌کاره

● اختلافات خانوادگی باعث شد جوان ۲۰ساله پسرعمه خود را به قتل برساند و برای فرار از قانون، جنازه‌اش را در چاه ساختمان نیمه‌کاره پدربنداز آن را با بتون بپرکند. آخرین روزهای بهمن سال گذشته خانواده جوانی ۱۷ساله در کرگان، موضوع مفقودشدن پسرشان را به پلیس گزارش دادند. پلیس آگاهی استان گلستان با تشکیل پرونده، تحقیق درباره کشف حقیقت را آغاز کرد و در مرحله نخست تلاش پلیس بر این بود که از همه اطرافیان، دوستان و آشنایان وی تحقیقات اولیه را انجام دهد. در تحقیقات اولیه پلیس نتوانست به سرخی محکم دست پیدا کند و با توجه به حساسیت موضوع و بازنگشتن این جوان ۱۷ساله به محل سکونت، تحقیقات در دستور کار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی استان قرار گرفت. هیچ‌کس نمی‌دانست که این پسر ۱۷ساله برای آخرین‌بار با چه کسی در ارتباط بوده و آخرین بار چه کسی و کجا وی را دیده است. پلیس با هماهنگی مرجع قضائی و استفاده از تکنیک‌های فنی، برخی از تماس‌ها و ارتباطات این جوان را به دست آورد که سرخی بسیار خوب برای کشف حقیقت و رسیدن به حقیقتی هولناک بود. پسرعمه این جوان ۱۷ساله یکی از افرادی بود که به دلیل اختلافی که با دوستش مورد توجه پلیس آگاهی قرار داشت اما به دلیل نبود مدارک کافی، پلیس نمی‌توانست او را بازداشت کند. پلیس آگاهی با آنکه به این جوان ۲۰ساله مشکوک بود اما به طور هم‌زمان از اقدامات تحقیقاتی خود از دیگر افراد نزدیک به فرد کمشده دست بر نداشت. با آنکه کسی گمان نمی‌کرد پسرعمه این جوان ۱۷ساله تنها فردی باشد که از سرنوشت گذشته این ماجرا اطلاعی داشته باشد، پس از تحقیقات فنی پلیس، وی به وقوع یک جنایت هولناک اعتراف کرد. این جوان ۲۰ساله که به قتل پسرعمه خود اعتراف کرده است، درباره جزئیات این حادثه گفت: بیستمین سال گذشته به دلیل اختلافی که با پسرعمه‌ام داشتم با وی در ساختمان نیمه‌کاره پدرم قرار گذاشتم. وی تأکید کرد: پدرم سازنده آی‌آرتمان است و به‌همین‌دلیل آن ساختمان نیمه‌کاره را انتخاب کردم تا با پسرعمه‌ام به‌سادگی حرف بزنم و مسائلی را که در ذهنم وجود دارد اجرا کنم. وی اضافه کرد: نمی‌دانم چه شد اما با تیغ موکت‌بری پای چیش را بریدم اما دیگر نتوانستم ادامه دهم و سریع به استفاده از پلاستیک‌های بزرگ و سیم مفتولی که آنجا بود جسدش را بسته‌بندی کردم. این جوان ۲۰ساله اضافه کرد: نمی‌دانستم چه‌کار کنم و جسدش را کجا بیندازم که ناگهان به فکر چاه حفرشده برای ساختمان افتادم. رئیس‌پلیس آگاهی استان گلستان درباره جزئیات این واقعه، اظهار کرد: پس از اعترافات این جوان ۲۰ساله، با هماهنگی مرجع قضائی، محل دفن جسد برآی صحت گفته‌های وی حفاری شد که با توجه به مستندات به دست‌آمده، صحت گفته‌هایش تأیید شد.